

واژگان سطح متوسط و پیشرفته فرانسه

تهیه شده توسط چرب زبان



CharbZaban.com

Aboutir à

/a.bu.ti.ʁ_a/

منجر شدن به / ختم شدن به

Ex: La réunion a abouti à un compromis.

جلسه به یک مصالحه ختم شد.

Affirmer que

/a.fiʁ.me kə/

تایید کردن / با اطمینان گفتن

Ex: Il affirme que les commerçants s'en sortent bien.

او تایید می‌کند که کسبه امسال وضعیت خوبی دارند.

Affubler

/a.fy.ble/

پوشاندن (به تمسخر) / لقب دادن

Ex: Je n'oserais pas vous affubler d'un tel qualificatif.

من جرأت نمی‌کنم چنین لقبی به شما بدهم.

Amener

/a.mne/

موجب شدن / آوردن

Ex: Ce travail est destiné à amener les changements.

این کار برای ایجاد تغییرات در نظر گرفته شده است.

Apercevoir

/a.pɛʁ.sə.vwaʁ/

مشاهده کردن / متوجه شدن

Ex: Si tu vas en Californie, tu apercevras des célébrités.

اگر به کالیفرنیا بروی، سلبریتی‌ها را خواهی دید.

Atteindre

/a.tɛ̃dʁ/

رسیدن به / نائل شدن

Ex: Ma mère atteindra ses 60 ans l'année prochaine.

مادر من سال آینده به ۶۰ سالگی می‌رسد.

Constituer

/kɔ̃s.ti.ty.e/

تشکیل دادن / بنیان نهادن

Ex: Cette loi constitue une avancée majeure.

این قانون یک پیشرفت بزرگ محسوب می‌شود.

Craindre

/kʁɛ̃dʁ/

ترسیدن / بیم داشتن

Ex: Je crains d'oublier tous ces mots.

می‌ترسم همه این کلمات را فراموش کنم.

Déchaîner

/de.ʃɛ.ne/

رها کردن / برانگیختن

Ex: L'immigration est un sujet qui déchaîne les passions.

مهاجرت موضوعی است که هیجانات را برمی‌انگیزد.

Déclencher

/de.klɑ̃.ʃe/

راه انداختن / ماشه را کشیدن

Ex: Ce genre d'extrémisme pourrait déclencher une guerre.

این نوع افراط‌گرایی می‌تواند جنگی را به راه بیندازد.

Demeurer

/də.mœ.ʁe/

باقی ماندن / سکونت داشتن

Ex: Elle ne peut qu'en demeurer émue.

او نمی‌تواند جز اینکه تحت تاثیر باقی بماند.

Déroger

/de.ʁɔ.ʒe/

تخطی کردن / نقض کردن

Ex: La loi ne peut pas déroger aux dispositions du Pacte.

قانون نمی‌تواند از مفاد پیمان تخطی کند.

Disposer de

/dis.po.ze də/

در اختیار داشتن

Ex: Charles dispose d'assez d'argent
چارلز پول کافی برای پروژه‌اش در اختیار دارد.

چارلز پول کافی برای پروژه‌اش در اختیار دارد.

Écopier

/e.kɔ.pe/

جریمه شدن / (آب کشتی را) خالی کردن

Ex: Le conducteur a écopé d'une
amende.

راننده جریمه شد.

Émoustiller

/e.mus.ti.je/

تحریک کردن / سر حال آوردن

Ex: Le champagne émoustilla les
invités.

شامپاین مهمانان را سر حال آورد.

Engendrer

/ɑ̃.ʒɑ̃.dʁe/

موجب شدن / تولید کردن

Ex: Sa duplicité engendre des conflits.

دو رویی او باعث ایجاد درگیری می‌شود.

Entamer

/ɑ̃.ta.me/

شروع کردن / آغاز کردن

Ex: Je vais entamer mes devoirs ce soir.

امشب تکالیفم را شروع خواهم کرد.

Entraîner

/ɑ̃.tʁɛ.ne/

منجر شدن به / آموزش دادن

Ex: Une carence peut entraîner des infections.

کمبود می‌تواند منجر به عفونت شود.

Éprouver

/e.pʁu.ve/

احساس کردن / امتحان کردن

Ex: Sarah éprouve toujours des difficultés.

سارا همیشه با دشواری‌هایی روبرو می‌شود.

Exister

/ɛg.zis.te/

وجود داشتن

Ex: Il existe plusieurs raisons cela.

چندین دلیل برای این کار وجود دارد.

Faire des bêtises

/fɛʁ de be.tiz/

حماقت کردن / شیطنت کردن

Ex: Elle fait des bêtises !

او دارد شیطنت می‌کند!

Figurer

/fi.gy.ʁe/

ظاهر شدن / حضور داشتن

Ex: Votre nom figure sur la liste.

نام شما در لیست دیده می‌شود.

Fuir

/fɥiʁ/

فرار کردن / گریختن

Ex: Les abeilles ! Il faut fuir !

زنبورها! باید فرار کنیم!

Gémir

/ʒe.miʁ/

ناله کردن / زاری کردن

Ex: Il a gémì quand il a vu l'heure.

وقتی ساعت را دید ناله کرد.

Mener à

/mne a/

هدایت کردن به / منجر شدن به

Ex: Cela ne doit pas mener à cette conclusion.

این نباید به این نتیجه‌گیری ختم شود.

Nouer

/nwe/

گره زدن / بستن

Ex: Il ne peut pas nouer ses chaussures.

او نمی‌تواند بند کفش‌هایش را ببندد.

Occasionner

/ɔ.ka.zjɔ.ne/

باعث شدن / ایجاد کردن

Ex: Les travaux risquent d'occasionner une gêne.

عملیات ساختمانی ممکن است باعث مزاحمت شود.

Paraître

/pa.ʁɛ.tʁ/

به نظر رسیدن / ظاهر شدن

Ex: Cela paraît étrange.

این عجیب به نظر می‌رسد.

Peiner

/pɛ.ne/

تقلا کردن / رنج بردن

Ex: Je peine à me réveiller le matin.

من صبح‌ها برای بیدار شدن تقلا می‌کنم.

Posséder

/pɔ.se.de/

مالک بودن / دارا بودن

Ex: La maison possède un beau mobilier.

خانه مبلمان زیبایی دارد.

Préciser que

/pʁe.si.ze kə/

توضیح دادن / تصریح کردن

Ex: Le président a précisé que la loi s'appliquera.

رئیس جمهور تصریح کرد که قانون اجرا خواهد شد.

Prétendre que

/pʁe.tɑ̃.dʁə kə/

ادعا کردن / وانمود کردن

Ex: Les résidents prétendent que le maire a menti.

ساکنان ادعا می‌کنند که شهردار دروغ گفته است.

Recueillir

/ʁə.kœ.jiʁ/

جمع‌آوری کردن / بدست آوردن

Ex: La candidate a recueilli 20% des votes.

نامزد ۲۰ درصد آرا را بدست آورد.

Représenter

/ʁə.pʁe.zɑ̃.te/

نشان دادن / نماینده بودن

Ex: Les garçons représentaient 20% des élèves.

پسران ۲۰ درصد دانش‌آموزان را تشکیل می‌دادند.

Rester

/ʁɛs.te/

باقی ماندن / ماندن

Ex: Les conditions restent favorables.

شرایط مساعد باقی می‌ماند.

Se diriger

/sə di.ʁi.ʒe/

به سمت چیزی رفتن

Ex: Je me suis dirigée vers la sortie.

من به سمت خروجی رفتم.

S'agir de

/s_a.ʒiʁ də/

مربوط بودن به / موضوع بودن

Ex: Il s'agit du gaspillage alimentaire.

موضوع درباره هدر رفت مواد غذایی است.

S'élever à

/s_e.lve a/

بالغ شدن بر / رسیدن به

Ex: La facture s'élève à 200 euros.

صورتحساب به ۲۰۰ یورو می‌رسد.

Souligner que

/su.li.ne kə/

تاکید کردن / برجسته کردن

Ex: Le médecin a souligné l'importance du sport.

پزشک بر اهمیت ورزش تاکید کرد.

Valoir

/va.lwaʁ/

ارزش داشتن

Ex: Cette bague vaut plus que ta maison.

این انگشتر بیش از خانه تو ارزش دارد.

L'Abnégation

/l_ ab.ne.ga.sjɔ̃/

ایثار / از خود گذشتگی

Ex: Elle travaille avec beaucoup d'abnégation.

او با ایثار فراوان کار می‌کند.

Le Bisounours

/lə bi.zu.nuʁs/

ساده‌لوح / خوش‌خیال

Ex: On n'est pas au pays des bisounours !

ما در دنیای خیالی زندگی نمی‌کنیم!

La Calotte

/la ka.lɔt/

کلاه عرقچین / پس‌گردنی

Ex: Elle donne une calotte à son frère.

او یک پس‌گردنی به برادرش زد.

Le Colimaçon

/lə kɔ.li.ma.sɔ̃/

مارپیچ / حلزون

Ex: Un escalier en colimaçon.

یک پله مارپیچ.

La Contrée

/la kɔ̃.tʁe/

سرزمین / منطقه

Ex: Cette contrée revêt un autre caractère.

این سرزمین ویژگی دیگری پیدا می‌کند.

La Détente

/la de.tɑ̃t/

تنش‌زدایی / ماشه / آرامش

Ex: On espère une détente entre les pays.

امیدواریم بین کشورها تنش‌زدایی رخ دهد.

La Kyrielle

/la ki.ʁi.jɛl/

تعداد زیاد / انبوه

Ex: Une kyrielle d'exemples fructueux.

انبوهی از مثال‌های ثمربخش.

La Lame

/la lam/

تیغه / موج بزرگ

Ex: La lame du couteau est tranchante.

تیغه چاقو تیز است.

À l'abri

/a l_a.bʁi/

در پناه / در امان

Ex: Tout le monde trouve un endroit à l'abri.

همه جای امنی پیدا می‌کنند.

Abracadabrant

/a.bʁa.ka.da.bʁɑ̃/

عجیب و غریب / باورنکردنی

Ex: Cette histoire est abracadabrante !

این داستان عجیب و غریب است!

Argentique

/aʁ.ʒɑ̃.tik/

آنالوگ (عکاسی)

Ex: Il ne fait que la photographie argentique.

او فقط عکاسی آنالوگ انجام می‌دهد.

Argotique

/aʁ.gɔ.tik/

عامیانه / کوچه‌بازاری

Ex: Thomas utilise un langage argotique.

توماس از زبان عامیانه استفاده می‌کند.

Boursouflé

/buʁ.su.fle/

ورم کرده / پف کرده

Ex: Il a la bouche boursouflée.

دهان او ورم کرده است.

Errant

/e.ʁɑ̃/

سرگردان / آواره

Ex: Je rêve de la vie errante.

من در رویای زندگی سرگردان هستم.

Exécration

/ɛg.ze.kʁabl/

بسیار بد / نفرت انگیز

Ex: L'homme a commis des crimes
exécration.

مرد مرتکب جنایات نفرت انگیزی شد.

Furtif

/fyʁ.tif/

پنهانی / دزدکی

Ex: Nous avons besoin de quelqu'un de
furtif.

ما به کسی نیاز داریم که پنهانی عمل کند.

Imberbe

/ɛ̃.bɛʁb/

بی‌ریش / نیخته

Ex: Charles est imberbe depuis son retour.

چارلز از زمان بازگشتش بی‌ریش است.

Numérique

/ny.me.ʁik/

دیجیتال / عددی

Ex: Nous vivons dans l'ère numérique.

ما در عصر دیجیتال زندگی می‌کنیم.

Rocambolesque

/ʁɔ.kɑ̃.bɔ.lɛsk/

باورنکردنی / پرماجرا

Ex: Une expérience rocambolesque.

یک تجربه پرماجرا و باورنکردنی.

Ainsi

/ɛ̃.si/

این‌چنین / بدین ترتیب

Ex: Il faut danser ainsi.

باید این‌طور رقصید.

D'ailleurs

/d_a.jœʁ/

به علاوه / از طرفی

Ex: D'ailleurs, tu as quelque chose نوبتی به
تو داده‌اند.

به علاوه، چیزی بین دندان‌هایت گیر کرده است.

Éphémère

/e.fe.mɛʁ/

فانی / زودگذر

Ex: La beauté est éphémère.

زیبایی زودگذر است.

Incontournable

/ɛ̃.kɔ̃.tuʁ.nabl/

اجتناب‌ناپذیر / ضروری

Ex: C'est une étape incontournable.

این یک مرحله اجتناب‌ناپذیر است.

Sublime

/sy.blim/

والا / باشکوه

Ex: Le paysage est sublime.

چشم‌انداز باشکوه است.

افعال پیشرفته - بخش ۱

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/a.kɔ̃.pliʁ/

Accomplir

انجام دادن / به پایان رساندن

Ex: Il a accompli sa mission malgré les difficultés.

او با وجود دشواری‌ها مأموریتش را به پایان رساند.

/a.kʁwaʁ/

Accroître

افزایش دادن / گسترش دادن

Ex: Cette réforme vise à accroître la transparence.

این اصلاحات با هدف افزایش شفافیت انجام می‌شود.

/ad.mɛʁ/

Admettre

پذیرفتن / قبول کردن

Ex: Elle a finalement admis son erreur.

او سرانجام اشتباه خود را پذیرفت.

/a.pʁe.ɑ̃.de/

Appréhender

درک کردن / با نگرانی روبه‌رو شدن

Ex: Il faut appréhender le problème dans son ensemble.

باید مسئله را به صورت کلی درک کرد.

/a.sy.me/

Assumer

بر عهده گرفتن / پذیرفتن مسئولیت

Ex: Elle assume pleinement la responsabilité de cette décision.

او مسئولیت این تصمیم را به طور کامل می‌پذیرد.

افعال پیشرفته - بخش ۲

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/a.te.nye/

Atténuer

کاهش دادن / ملایم کردن

Ex: Ces mesures pourraient atténuer les effets de la crise.

این اقدامات می‌توانند آثار بحران را کاهش دهند.

/a.vã.se kə/

Avancer que

مطرح کردن / ادعا کردن

Ex: Certains chercheurs avancent que cette méthode est plus efficace.

برخی پژوهشگران مطرح می‌کنند که این روش مؤثرتر است.

/bu.lə.vɛʁ.se/

Bouleverser

دگرگون کردن / به شدت تحت تأثیر قرار دادن

Ex: Cette découverte a bouleversé notre compréhension du phénomène.

این کشف درک ما از این پدیده را دگرگون کرد.

/sɛʁ.ne/

Cerner

دقیق شناختن / مشخص کردن حدود

Ex: Nous devons mieux cerner les besoins des utilisateurs.

باید نیازهای کاربران را دقیق‌تر شناسایی کنیم.

/kɔ̃.se.de/

Concéder

پذیرفتن با اکراه / امتیاز دادن

Ex: Le ministre a concédé que le projet avait pris du retard.

وزیر پذیرفت که پروژه با تأخیر روبه‌رو شده است.

افعال پیشرفته - بخش ۳

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/kɔ̃.tɛs.te/

Contester

به چالش کشیدن / رد کردن

Ex: L'avocat conteste la validité de cette preuve.

وکیل اعتبار این مدرک را زیر سؤال می‌برد.

/kɔ̃.və.niʁ də/

Convenir de

توافق کردن بر سر

Ex: Les deux parties ont convenu de reprendre les négociations.

دو طرف توافق کردند مذاکرات را از سر بگیرند.

/de.sə.le/

Déceler

تشخیص دادن / کشف کردن

Ex: Le médecin a décelé une anomalie lors de l'examen.

پزشک در جریان معاینه یک ناهنجاری را تشخیص داد.

/de.dɥiʁ/

Déduire

نتیجه گرفتن / استنباط کردن

Ex: On peut déduire de ces chiffres que la demande augmente.

از این ارقام می‌توان نتیجه گرفت که تقاضا در حال افزایش است.

/de.plɔ.ʁe/

Déplorer

ابراز تأسف کردن از

Ex: L'association déplore le manque de moyens.

انجمن از کمبود امکانات ابراز تأسف می‌کند.

افعال پیشرفته - بخش ۴

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/di.sʁa.de/

Dissuader

منصرف کردن

Ex: Rien ne pourra le dissuader de poursuivre son projet.

هیچ چیز نمی‌تواند او را از ادامه پروژه‌اش منصرف کند.

/e.la.bɔ.ʁe/

Élaborer

تدوین کردن / پرورش دادن

Ex: L'équipe a élaboré une stratégie à long terme.

تیم یک راهبرد بلندمدت تدوین کرد.

/e.ma.ne də/

Émaner de

ناشی شدن از / صادر شدن از

Ex: La décision émane directement de la direction.

این تصمیم مستقیماً از مدیریت صادر شده است.

/ɑ̃.tʁa.ve/

Entraver

مانع شدن / مختل کردن

Ex: Les formalités administratives entravent parfois l'innovation.

تشریفات اداری گاهی مانع نوآوری می‌شوند.

/e.vɔ.ke/

Évoquer

مطرح کردن / اشاره کردن به

Ex: Le rapport évoque plusieurs pistes d'amélioration.

گزارش چند راه برای بهبود را مطرح می‌کند.

افعال پیشرفته - بخش ۵

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/ɛg.zi.ʒe/

Exiger

طلب کردن / نیاز داشتن به

Ex: Ce poste exige une grande capacité d'adaptation.

این شغل به توانایی بالای سازگاری نیاز دارد.

/fa.vɔ.bi.ze/

Favoriser

تقویت کردن / مساعد کردن

Ex: Un climat de confiance favorise la coopération.

فضای اعتماد همکاری را تقویت می‌کند.

/ɛ̃.pli.ke/

Impliquer

مستلزم بودن / درگیر کردن

Ex: Cette décision implique des changements importants.

این تصمیم مستلزم تغییرات مهمی است.

/ɛ̃.si.te/

Inciter

ترغیب کردن / واداشتن

Ex: La campagne vise à inciter les habitants à économiser l'eau.

این کمپین قصد دارد ساکنان را به صرفه‌جویی در آب ترغیب کند.

/ne.gli.ʒe/

Négliger

نادیده گرفتن / غفلت کردن از

Ex: Il ne faut pas négliger les détails techniques.

نباید جزئیات فنی را نادیده گرفت.

افعال پیشرفته - بخش ۶

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/nyɑ̃.sɛ/

Nuancer

با ظرافت تعدیل کردن / دقیق‌تر بیان کردن

Ex: Il convient de nuancer cette conclusion.

بهتر است این نتیجه‌گیری را با ملاحظه بیشتری بیان کرد.

/pʁe.kɔ.ni.ze/

Préconiser

توصیه کردن / پیشنهاد کردن

Ex: Les experts préconisent une mise en œuvre progressive.

کارشناسان اجرای تدریجی را توصیه می‌کنند.

/pʁe.zɛʁ.ve/

Préserver

حفظ کردن / محافظت کردن

Ex: Ces mesures servent à préserver les ressources naturelles.

این اقدامات برای حفظ منابع طبیعی هستند.

/ʁə.nɔ̃.se a/

Renoncer à

صرف‌نظر کردن از / کنار گذاشتن

Ex: Elle a renoncé à son poste pour se consacrer à ses études.

او از سمت خود کناره‌گیری کرد تا به تحصیل بپردازد.

/syʁ.və.niʁ/

Survenir

رخ دادن / پیش آمدن

Ex: Un incident est survenu pendant la réunion.

در طول جلسه حادثه‌ای رخ داد.

اسم‌های کاربردی - بخش ۱

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/lɑ̃.plœʁ/

L'ampleur

وسعت / دامنه

Ex: Personne n'avait prévu l'ampleur des dégâts.

هیچ‌کس وسعت خسارت‌ها را پیش‌بینی نکرده بود.

/lɑ̃.ʒø/

L'enjeu

موضوع مهم / چالش اساسی

Ex: La protection des données est un enjeu majeur.

حفاظت از داده‌ها یک مسئله بسیار مهم است.

/la de.maʁʃ/

La démarche

رویکرد / فرایند

Ex: Sa démarche repose sur l'observation et l'analyse.

رویکرد او بر مشاهده و تحلیل استوار است.

/la pe.ny.ʁi/

La pénurie

کمبود / قحطی

Ex: La région connaît une pénurie de logements.

منطقه با کمبود مسکن روبه‌رو است.

/lə bjɛ/

Le biais

سوگیری / انحراف

Ex: Ce questionnaire peut introduire un biais dans les résultats.

این پرسشنامه ممکن است در نتایج سوگیری ایجاد کند.

اسم‌های کاربردی - بخش ۲

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/la kɔ̃.tʁɛ̃t/

La contrainte

محدودیت / اجبار

Ex: Le budget constitue la principale contrainte du projet.

بودجه اصلی‌ترین محدودیت پروژه است.

/lə kɔ̃s.ta/

Le constat

جمع‌بندی / مشاهده قطعی

Ex: Le constat est clair : les coûts ont augmenté.

نتیجه روشن است: هزینه‌ها افزایش یافته‌اند.

/la pɔʁ.te/

La portée

دامنه / اثر و اهمیت

Ex: Cette décision aura une portée internationale.

این تصمیم دامنه‌ای بین‌المللی خواهد داشت.

/la fja.bi.li.te/

La fiabilité

قابلیت اعتماد / اطمینان‌پذیری

Ex: La fiabilité des données doit être vérifiée.

قابل اعتماد بودن داده‌ها باید بررسی شود.

/lə de.fi/

Le défi

چالش

Ex: Réduire les délais reste un défi important.

کاهش زمان‌ها همچنان یک چالش مهم است.

اسم‌های کاربردی - بخش ۳

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/la ʁe.ti.sãs/

La réticence

بی‌میلی / اکراه

Ex: Sa réticence à changer de méthode est compréhensible.

بی‌میلی او به تغییر روش قابل درک است.

/le.sɔʁ/

L'essor

رونق / رشد سریع

Ex: Le secteur a connu un essor rapide ces dernières années.

این بخش در سال‌های اخیر رشد سریعی داشته است.

/la me.fjãs/

La méfiance

بی‌اعتمادی / بدگمانی

Ex: La méfiance du public s'est accentuée.

بی‌اعتمادی عمومی بیشتر شده است.

/lə bu.lə.vɛʁ.sə.mã/

Le bouleversement

دگرگونی شدید / تحول

Ex: Le télétravail a provoqué un profond bouleversement des habitudes.

دورکاری تغییر عمیقی در عادات‌ها ایجاد کرد.

/la.bu.tis.mã/

L'aboutissement

نتیجه نهایی / فرجام

Ex: Ce diplôme est l'aboutissement de plusieurs années d'efforts.

این مدرک حاصل چند سال تلاش است.

اسم‌های کاربردی - بخش ۴

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/la kɔ̃.e.väs/

La cohérence

انسجام / هماهنگی

Ex: Il faut vérifier la cohérence entre les objectifs et les moyens.

باید هماهنگی میان اهداف و امکانات بررسی شود.

/la la.kyn/

La lacune

کاستی / خلأ

Ex: Le rapport présente encore plusieurs lacunes.

گزارش هنوز چند کاستی دارد.

/lə kɔ̃.sã.sys/

Le consensus

اجماع / توافق عمومی

Ex: Un consensus s'est formé autour de cette proposition.

درباره این پیشنهاد اجماع شکل گرفت.

/la maʁʒ/

La marge

حاشیه / مجال و آزادی عمل

Ex: L'entreprise dispose d'une faible marge de manœuvre.

شرکت آزادی عمل کمی دارد.

/la pɛʁ.sɛp.sjɔ̃/

La perception

برداشت / ادراک

Ex: La perception du risque varie selon les personnes.

برداشت افراد از خطر متفاوت است.

صفات‌های پیشرفته - بخش ۱

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/ɑ̃.bi.gy/

Ambigu

مبهم / دویپهلو

Ex: Son message reste ambigu.

پیام او همچنان مبهم است.

/kɔ̃.tʁɛ.ɲɑ̃/

Contraignant

محدودکننده / الزام‌آور

Ex: Ce règlement est particulièrement contraignant pour les petites entreprises.

این مقررات برای کسب‌وکارهای کوچک بسیار محدودکننده است.

/kʁe.dibl/

Crédible

قابل باور / معتبر

Ex: Son explication paraît crédible.

توضیح او قابل باور به نظر می‌رسد.

/de.fa.jɑ̃/

Défaillant

ناکارآمد / معیوب

Ex: Le système de contrôle s'est révélé défaillant.

سیستم کنترل ناکارآمد از آب درآمد.

/de.ʁi.zwaʁ/

Dérisoire

ناچیز / خنده‌دار از نظر کم بودن

Ex: La somme proposée est dérisoire par rapport aux coûts réels.

مبلغ پیشنهادشده در مقایسه با هزینه‌های واقعی ناچیز است.

صفات‌های پیشرفته - بخش ۲

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/e.lɔ.kɑ̃/

Éloquent

گویا / معنادار

Ex: Les résultats sont éloquents : les erreurs ont fortement diminué.

نتایج گویاست: خطاها به شدت کاهش یافته‌اند.

/flyk.tyɑ̃/

Fluctuant

نوسانی / متغیر

Ex: Le marché reste fluctuant et difficile à prévoir.

بازار همچنان نوسانی و پیش‌بینی‌ناپذیر است.

/fʁa.ʒil/

Fragile

شکونده / آسیب‌پذیر

Ex: L'équilibre économique de la région demeure fragile.

تعادل اقتصادی منطقه همچنان شکننده است.

/ɛ̃.pli.sit/

Implicite

ضمنی / ناگفته

Ex: Cette règle est implicite mais connue de tous.

این قاعده ضمنی است اما همه آن را می‌دانند.

/nyɑ̃.se/

Nuancé

سنجیده / دارای ظرافت معنایی

Ex: Son analyse est précise et nuancée.

تحلیل او دقیق و سنجیده است.

صفات‌های پیشرفته - بخش ۳

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/pɛʁ.ti.nɑ̃/

Pertinent

بجا / مرتبط و مناسب

Ex: Cette remarque est particulièrement pertinente.

این نکته بسیار بجا است.

/pʁe.kɛʁ/

Précaire

ناپایدار / متزلزل

Ex: Beaucoup de travailleurs vivent dans une situation précaire.

بسیاری از کارگران در وضعیتی ناپایدار زندگی می‌کنند.

/ʁi.gu.ʁø/

Rigoureux

دقیق / سخت‌گیرانه

Ex: Une méthode rigoureuse réduit le risque d'erreur.

روش دقیق احتمال خطا را کاهش می‌دهد.

/vʁɛ.sɑ̃.blabl/

Vraisemblable

محتمل / باورپذیر

Ex: Cette hypothèse semble vraisemblable.

این فرضیه محتمل به نظر می‌رسد.

/vyl.ne.ʁabl/

Vulnérable

آسیب‌پذیر

Ex: Les personnes âgées sont plus vulnérables aux fortes chaleurs.

سالمندان در برابر گرمای شدید آسیب‌پذیرترند.

قیدها و پیوندهای کاربردی - بخش ۱

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/o də.mœ.vɑ̃/

Au demeurant

با این حال / در مجموع

Ex: Au demeurant, cette solution reste la plus simple.

با این حال، این راه‌حل همچنان ساده‌ترین گزینه است.

/ɑ̃ vɛ.vɑ̃ʃ/

En revanche

در عوض / از سوی دیگر

Ex: Le premier modèle est moins cher ; en revanche, il est plus lent.

مدل اول ارزان‌تر است؛ در عوض، کندتر است.

/dɑ̃.blɛ/

D'emblée

از همان ابتدا

Ex: D'emblée, il a annoncé qu'il refusait toute concession.

او از همان ابتدا اعلام کرد که هیچ امتیازی نخواهد داد.

/a de.fo də/

À défaut de

در نبود / در صورت نداشتن

Ex: À défaut de preuve, l'accusation ne peut être retenue.

در نبود مدرک، نمی‌توان اتهام را پذیرفت.

/dɑ̃ la mɛ.zyʁ u/

Dans la mesure où

تا جایی که / از آنجا که

Ex: Cette option est acceptable dans la mesure où elle respecte le budget.

این گزینه تا جایی قابل قبول است که بودجه را رعایت کند.

قیدها و پیوندهای کاربردی - بخش ۲

ادامه واژگان سطح متوسط و پیشرفته زبان فرانسه

/ɑ̃ lɔ.ky.ʁɑ̃s/

En l'occurrence

در این مورد / در اینجا

Ex: En l'occurrence, le problème vient d'un manque de coordination.

در این مورد، مشکل از نبود هماهنگی ناشی می‌شود.

/a sɛt e.gɑʁ/

À cet égard

از این نظر / در این رابطه

Ex: À cet égard, le rapport apporte des précisions utiles.

از این نظر، گزارش توضیحات مفیدی ارائه می‌دهد.

/də syʁ.kɥwa/

De surcroît

علاوه بر این

Ex: Le trajet est long et, de surcroît, coûteux.

مسیر طولانی و علاوه بر آن پرهزینه است.

/a ʒyst titʁ/

À juste titre

به حق / به درستی

Ex: Elle a été félicitée, à juste titre, pour la qualité de son travail.

او به حق به خاطر کیفیت کارش تحسین شد.

/fɔʁs ɛ də kɔ̃s.ta.te kə/

Force est de constater que

باید اذعان کرد که

Ex: Force est de constater que les résultats restent insuffisants.

باید اذعان کرد که نتایج همچنان ناکافی‌اند.

برای آموزش‌های بیشتر زبان فرانسه و سایر زبان‌ها:

<https://charbzaban.com/>

1. Connecteurs logiques

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
pourtant	/puʁ.tɑ̃/	بااین حال؛ با وجود این	Pourtant, le résultat reste encourageant. — بااین حال، نتیجه همچنان امیدوارکننده است.
néanmoins	/ne.ɑ̃.mwɛ̃/	بااین وجود	La tâche est difficile; néanmoins, elle est réalisable. — کار دشوار است؛ بااین وجود، شدنی است.
toutefois	/tut.fwa/	با این حال؛ البته	Cette solution est utile, toutefois elle coûte cher. — این راه حل مفید است، اما هزینه زیادی دارد.
en effet	/ɑ̃.n_e.fe/	در واقع؛ زیرا	Il a refusé; en effet, les conditions étaient injustes. — او نپذیرفت؛ زیرا شرایط ناعادلانه بود.
par conséquent	/paʁ kɔ̃.se.kɑ̃/	در نتیجه	Les délais sont courts; par conséquent, il faut agir vite. — مهلت ها کوتاه اند؛ در نتیجه باید سریع عمل کرد.

نکته تلفظ

صدای پایانی واژه اول به واژه بعدی پیوند می خورد و عبارت تقریباً «آزفه» شنیده می شود. **en effet** در

CharbZaban.com

2. Opposition et concession

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
bien que + sub-jonctif	/bjɛ̃ kə/	اگرچه؛ با اینکه	Bien qu'il soit tard, nous continuons. — با اینکه دیر است، ادامه می‌دهیم.
quoique + sub-jonctif	/kwak/	هرچند؛ اگرچه	Quoique la méthode soit ancienne, elle reste efficace. — هرچند روش قدیمی است، همچنان مؤثر است.
même si	/mɛm si/	حتی اگر	Même s'il pleut, la rencontre aura lieu. — حتی اگر باران ببارد، دیدار انجام می‌شود.
tandis que	/tɑ̃.di kə/	در حالی که؛ حال آنکه	Elle préfère lire, tandis que son frère regarde un film. — او ترجیح می‌دهد بخواند، در حالی که برادرش فیلم می‌بیند.
à l'inverse	/a l.ɛ̃.vɛʁs/	برعکس	À l'inverse, cette option réduit les dépenses. — برعکس، این گزینه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد.

تفاوت مهم

حالت اخباری استفاده می‌شود **même si** معمولاً حالت التزامی می‌آید؛ اما بعد از **quoique** و **bien que** بعد از

CharbZaban.com

3. Verbes d'analyse

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
susciter	/sy.si.te/	برانگیختن؛ ایجاد کردن	Cette décision suscite de nombreuses réactions. — این تصمیم واکنش‌های زیادی ایجاد می‌کند.
consolider	/kɔ̃.sɔ.li.de/	تقویت کردن	Le dialogue consolide la confiance entre les partenaires. — گفت‌وگو اعتماد میان شرکا را تقویت می‌کند.
préserver	/pʁe.zɛʁ.ve/	حفظ کردن	Il faut préserver les ressources naturelles. — باید منابع طبیعی را حفظ کرد.
entraver	/ɑ̃.tʁa.ve/	مانع شدن؛ مختل کردن	La bureaucratie entrave parfois l'innovation. — دیوان‌سالاری گاهی نوآوری را مختل می‌کند.
préconiser	/pʁe.kɔ̃.ni.ze/	توصیه کردن؛ پیشنهاد دادن	Les experts préconisent une réforme progressive. — کارشناسان اصلاحی تدریجی را توصیه می‌کنند.

CharbZaban.com

4. Noms abstraits

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
la pertinence	/la pɛʁ.ti.nãs/	ارتباط و مناسبت؛ مرتبط بودن	La pertinence de cette remarque est évidente. — مرتبط بودن این نکته آشکار است.
la faisabilité	/la fɛ.za.bi.li.te/	امکان پذیری	Il faut étudier la faisabilité du projet. — باید امکان پذیری پروژه را بررسی کرد.
la cohérence	/la kɔ.e.ʁãs/	انسجام؛ هماهنگی	La cohérence du raisonnement est convaincante. — انسجام استدلال قانع کننده است.
la vulnérabilité	/la vyl.ne.ʁa.bi.li.te/	آسیب پذیری	La vulnérabilité du système inquiète les utilisateurs. — آسیب پذیری سامانه کاربران را نگران می کند.
la responsabilité	/la ʁɛs.pɔ̃.sa.bi.li.te/	مسئولیت	La responsabilité incombe aux décideurs. — مسئولیت بر عهده تصمیم گیرندگان است.

CharbZaban.com

5. Institutions et société

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
adopter une loi	/a.dɔp.te yn lwa/	تصویب کردن قانون	Le Parlement a adopté une loi nouvelle. — پارلمان قانون جدیدی تصویب کرد.
mettre en œuvre	/mɛ.tʁ ɑ̃ n_œvʁ/	به اجرا گذاشتن	La ville met en œuvre une politique sociale. — شهر سیاستی اجتماعی را به اجرا می‌گذارد.
saisir la justice	/sɛ.ziʁ la ʒys.tis/	به دادگاه مراجعه کردن	L'association a saisi la justice. — انجمن به دادگاه مراجعه کرد.
rendre une décision	/ʁɑ̃dʁ yn de.zi.sjɔ̃/	رای یا تصمیم صادر کردن	Le tribunal rendra sa décision demain. — دادگاه فردا تصمیم خود را صادر می‌کند.
ouvrir une enquête	/u.vʁiʁ yn ɑ̃.kɛt/	تحقیق یا پرونده‌ای را آغاز کردن	Les autorités ont ouvert une enquête. — مقامات تحقیقی را آغاز کردند.

CharbZaban.com

6. Évolution et tendances

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
s'accroître	/sa.kʁwatʁ/	افزایش یافتن	La demande s'accroît progressivement. — تقاضا به تدریج افزایش می‌یابد.
se stabiliser	/sə sta.bi.li.ze/	ثابت شدن؛ به ثبات رسیدن	Après la hausse, les prix se stabilisent. — پس از افزایش، قیمت‌ها ثابت می‌شوند.
fléchir	/fle.ʃiʁ/	کاهش ملایم یافتن	Les exportations ont fléchi en juin. — صادرات در ژوئن کمی کاهش یافت.
connaître un essor	/kɔ.nɛtʁ_œ̃ n_ɛ.sɔʁ/	رونق گرفتن	Le secteur connaît un essor remarquable. — این بخش رونق چشمگیری گرفته است.
prendre de l'ampleur	/pʁɑ̃dʁ l_ɑ̃.plœʁ/	گسترش یافتن؛ شدت گرفتن	Le phénomène prend de l'ampleur. — این پدیده در حال گسترش است.

CharbZaban.com

7. Registre soutenu

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
démontrer	/de.mɔ̃.tʁe/	اثبات کردن؛ نشان دادن	L'étude démontre l'efficacité du dispositif. — پژوهش کارآمدی این سازوکار را نشان می‌دهد.
faciliter	/fa.si.li.te/	تسهیل کردن	Cette mesure facilite l'accès aux soins. — این اقدام دسترسی به خدمات درمانی را آسان می‌کند.
mettre un terme à	/mɛ.tʁ œ tɛʁm a/	به چیزی پایان دادن	La décision met un terme au débat. — این تصمیم به بحث پایان می‌دهد.
entreprendre	/ɑ̃.tʁə.pʁɑ̃dʁ/	آغاز کردن؛ دست‌زدن به	L'équipe entreprend une analyse détaillée. — گروه تحلیلی دقیق را آغاز می‌کند.
requérir	/ʁə.ke.ʁiʁ/	نیاز داشتن؛ مستلزم بودن	La procédure requiert une autorisation. — این روند به مجوز نیاز دارد.

CharbZaban.com

8. Prépositions essentielles

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
s'intéresser à	/sɛ̃.te.ʁe.se a/	به چیزی علاقه‌مند بودن	Elle s'intéresse à la sociologie. — او به جامعه‌شناسی علاقه‌مند است.
se méfier de	/sə me.fje də/	مراقب چیزی بودن؛ اعتماد نکردن	Il faut se méfier des promesses faciles. — باید مراقب وعده‌های ساده‌انگارانه بود.
contribuer à	/kɔ̃.twi.bɥe a/	کمک کردن به؛ سهم داشتن در	Cette mesure contribue à réduire les écarts. — این اقدام به کاهش شکاف‌ها کمک می‌کند.
dépendre de	/de.pɑ̃dʁ də/	وابسته بودن به	Le résultat dépend de plusieurs facteurs. — نتیجه به چند عامل وابسته است.
consister à	/kɔ̃.sis.te a/	عبارت بودن از؛ شامل شدن	La première étape consiste à vérifier les données. — مرحله اول شامل بررسی داده‌هاست.

CharbZaban.com

9. Expressions professionnelles

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
mettre les bouchées doubles	/mɛtɥ le bu.ʃe du-bl/	با تلاش و سرعت بیشتر کار کردن	L'équipe met les bouchées doubles avant le lancement. — گروه پیش از آغاز کار با تلاش بیشتری کار می‌کند.
tirer son épingle du jeu	/ti.ʁe sɔ̃ ne.piɔ̃ dy ʒø/	در شرایط دشوار موفق شدن	Elle a su tirer son épingle du jeu. — او توانست در شرایط دشوار موفق شود.
être sur la même longueur d'onde	/ɛtʁ syʁ la mɛm lɔ̃.gœʁ d_ɔ̃d/	هم‌نظر بودن	Nous sommes sur la même longueur d'onde. — ما هم‌نظر هستیم.
jeter l'éponge	/ʒə.te le.pɔ̃ʒ/	تسلیم شدن	Il refuse de jeter l'éponge. — او حاضر نیست تسلیم شود.
faire le point	/fɛʁ la pwɛ̃/	وضعیت را بررسی کردن	Faisons le point après la réunion. — پس از جلسه وضعیت را بررسی کنیم.

CharbZaban.com

10. Faux amis

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
actuellement	/ak.ty.ɛl.mɑ̃/	در حال حاضر	Actuellement, le service fonctionne normale-ment. — در حال حاضر، خدمات به طور عادی کار می‌کند.
éventuellement	/e.vɑ̃.ty.ɛl.mɑ̃/	در صورت امکان؛ شاید	Vous pouvez éventuellement modifier le fi-chier. — در صورت امکان می‌توانید فایل را تغییر دهید.
assister à	/a.si.ste a/	در جلسه یا رویدادی شرکت کردن	Elle assistera à la conférence. — او در کنفرانس شرکت خواهد کرد.
librairie	/li.bʁɛ.ʁi/	کتابفروشی	La librairie est près de la gare. — کتابفروشی نزدیک ایستگاه است.
location	/lɔ.ka.sjɔ̃/	اجاره	La location d'un studio coûte cher. — اجاره یک آپارتمان کوچک گران است.

CharbZaban.com

11. Adjectifs précis

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
mitigé	/mi.ti.ʒe/	دوگانه؛ نه کاملاً مثبت	Le bilan reste mitigé. — جمع‌بندی همچنان دوگانه است.
significatif	/sjɛ̃.fi.ka.tif/	قابل توجه؛ معنادار	Une hausse significative a été observée. — افزایش قابل توجهی مشاهده شد.
négligeable	/ne.gli.ʒabl/	قابل اغماض	L'écart est négligeable. — اختلاف قابل اغماض است.
systemique	/sis.te.mik/	نظام‌مند	Le problème est systémique. — مشکل نظام‌مند است.
disparate	/dis.pa.ʁat/	ناهمگون؛ متفاوت	Les résultats sont disparates. — نتایج ناهمگون هستند.

CharbZaban.com

12. Comparaison

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
à la différence de	/a la di.fe.ʁãs də/	برخلاف؛ در تفاوت با	À la différence du modèle ancien, le nouveau est modulable. — برخلاف مدل قدیمی، مدل جدید انعطاف‌پذیر است.
contrairement à	/kõ.tʁɛ̃.mã a/	برخلاف	Contrairement aux prévisions, la demande augmente. — برخلاف پیش‌بینی‌ها، تقاضا افزایش می‌یابد.
au même titre que	/o mɛm ti.tʁə kə/	همانند؛ به همان اندازه	Les petites entreprises sont concernées au même titre que les grandes. — شرکت‌های کوچک نیز همانند شرکت‌های بزرگ درگیرند.
dans la mesure où	/dã la mə.zyʁ u/	تا جایی که؛ از آنجا که	La solution est pertinente dans la mesure où elle reste accessible. — راه‌حل تا جایی مناسب است که در دسترس بماند.
comparativement à	/kõ.pa.ʁa.ti.və.mã a/	در مقایسه با	Comparativement à l'an dernier, le résultat est stable. — در مقایسه با سال گذشته، نتیجه ثابت است.

CharbZaban.com

13. Reformulation utile

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
bien que ce soit	/bjɛ̃ kə sə swa/	اگرچه چنین است	Bien que ce soit difficile, nous continuerons. — اگرچه دشوار است، ادامه می‌دهیم.
il convient de	/il kɔ̃.vjɛ̃ də/	شایسته است؛ باید	Il convient de vérifier les sources. — باید منابع را بررسی کرد.
faire apparaître	/fɛʁ a.pa.ʁɛtʁ/	آشکار کردن؛ نشان دادن	Les données font apparaître une baisse. — داده‌ها کاهش را نشان می‌دهند.
découler de	/de.ku.le də/	ناشی شدن از	La difficulté découle d'un manque de temps. — دشواری ناشی از کمبود زمان است.
tenir compte de	/tə.niɛ kɔ̃t də/	در نظر گرفتن	Il faut tenir compte du contexte. — باید زمینه را در نظر گرفت.

CharbZaban.com

14. Adverbes de précision

عبارت فرانسوی	تلفظ	معنی فارسی	مثال و ترجمه
notamment	/nɔ.ta.mɑ̃/	به‌ویژه؛ از جمله	Plusieurs villes, notamment Paris, ont adopté la mesure. — چند شهر، به‌ویژه پاریس، این اقدام را پذیرفته‌اند.
précisément	/pʁe.si.ze.mɑ̃/	دقیقاً	C'est précisément le point essentiel. — این دقیقاً نکته اصلی است.
globalement	/glɔ.ba.lə.mɑ̃/	به‌طور کلی	Globalement, les résultats sont positifs. — به‌طور کلی، نتایج مثبت‌اند.
essentiellement	/e.sɑ̃.sjɛl.mɑ̃/	اساساً؛ عمدتاً	Le problème est essentiellement financier. — مشکل اساساً مالی است.
progressivement	/pʁɔ.gʁɛ.si.və.mɑ̃/	به‌تدریج	La situation s'améliore progressivement. — وضعیت به‌تدریج بهتر می‌شود.

CharbZaban.com

15. Révision finale

متن تمرینی با تلفظ و معنی

Il convient de tenir compte du contexte. /il kɔ.vjɛ̃ də tə.niʁ kɔ̃t dy kɔ̃.tɛkst/ — باید زمینه را در نظر گرفت.
Bien que la situation soit complexe, elle s'améliore progressivement. /bjɛ̃ kə la si.ty.a.sjɔ̃ swa kɔ̃.plɛks, ɛl sa.me.ljɔ̃ ʁə.dʒɛ.si.və.mɑ̃/ — اگرچه وضعیت پیچیده است، به تدریج بهتر می‌شود.
Contrairement aux prévisions, la demande reste stable. /kɔ̃.tʁɛv.ɑ̃ o ʁve.vi.zjɔ̃, la də.mɑ̃d ʁest stabl/ — برخلاف پیش‌بینی‌ها، تقاضا ثابت می‌ماند.

روش مرور

هر روز پنج مدخل را با صدای بلند بخوانید، سپس معنی فارسی را بیوشانید و جمله فرانسوی را از حفظ بازسازی کنید. در مرحله بعد، برای هر عبارت یک جمله شخصی بنویسید.

مطالب آموزشی بیشتر

CharbZaban.com

CharbZaban.com